

8. داداش جانم

یه اتاقی سیت بساژم چل ستون چل پنجره
داداش جانم توش بشینه با هزاران سلسله
یه حمومی سیت بساژم خشت و نیم خشتش طلا
آبش از گیلون^۱ بیا و خشتش از امام رضا
ساززنه، تو ساز بزن تا من بگویم یا خدا
تُک سازت نقره گیرم تا کمر بندش طلا
ساززنه، تو ساز بزن تا من بگویم یا علی
تُک سازت نقره گیرم تا کمر بندش زری
ایل بالا ایل پایین، کشت و کارش ذرت
در میون^۲ شش ولایت، داداش جانم بیتره^۳

^۱ گیلان

^۲ میان

^۳ بهتره













